



طلوع فصل نوین خلیج فارس



سرمقاله

در طول تاریخ همواره نظم‌ها و ترتیبات امنیتی جدید در برخی نقاط عطف و برهه‌های حساس به وجود آمده‌اند. جنگ چهل روزه و تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران یکی از همان نقاط عطف به شمار می‌رود. شکست متجاوزان و تاب‌آوری و قدرت‌نمایی ایران در این جنگ باعث شده که فضای حاکم بر منطقه خلیج فارس شاهد تغییرات اساسی شود. رهبر معظم انقلاب در این راستا از اصطلاح «فصل نوین خلیج فارس» استفاده کرده‌اند. ایشان به مناسبت دهم اردیبهشت روز ملی خلیج فارس در پیامی تأکید کردند: «امروز با گذشت دو ماه از بزرگترین لشکرکشی و تجاوز زورگویان دنیا در منطقه و شکست مفتضحانه‌ی آمریکا در نقشه‌ی خود، فصل نوین خلیج فارس و تنگه هرمز در حال رقم خوردن است.» «فصل نوین خلیج فارس» را اگر به عنوان یک چارچوب تحلیلی برای فهم تحولات امنیتی و ژئوپلیتیکی منطقه در نظر بگیریم، در واقع با مرحله‌ای از بازتعریف تدریجی نظم سنتی در یکی از حساس‌ترین آبراه‌های جهان مواجه هستیم؛ مرحله‌ای که در آن، مفروضات قدیمی درباره امنیت، بازدارندگی و نقش قدرت‌های بیرونی با چالش‌های جدی روبه‌رو شده است. نخستین محور این «فصل نوین»، بی‌اعتباری تدریجی الگوی امنیت وارداتی است. برای دهه‌ها، امنیت در خلیج فارس عمدتاً بر حضور نظامی قدرت‌های فرامنطقه‌ای به‌ویژه آمریکا استوار بود. اما تجربه‌های چند دهه اخیر نشان داده که این الگو نه تنها به ثبات منجر نشده، بلکه خود به یکی از عوامل تشدید تنش تبدیل شده است. از این منظر، وابستگی امنیتی به بیرون، به جای کاهش ناامنی، شکنندگی ساختاری ایجاد کرده است. در ادامه همین روند یکی از مهم‌ترین تغییرات، اخراج آمریکا از منطقه است. در حقیقت حضور آمریکا به یک «بازبگویی تنش‌زا» تبدیل شده است چرا که شاهد افزایش تردید نسبت به کارآمدی نظم امنیتی موجود و تقویت ایده ضرورت بازنگری در آن هستیم. کشورهای منطقه نیز پس از ناکارآمدی پایگاه‌های آمریکا در کشورهای خود در برابر حملات تلافی‌جویانه ایران بیش از پیش نسبت به بی‌فایده بودن حضور آمریکا در منطقه واقف شده‌اند. در همین چارچوب، مفهوم بازدارندگی نیز دستخوش تحول شده است. در ادبیات راهبردی جدید، توانمندی‌های ایران در حوزه‌های مختلف نظامی و غیرنظامی به‌ویژه در بستر رخداد‌های اخیر، به عنوان عاملی برای تغییر محاسبات طرف مقابل مطرح می‌شود. نکته مهم آن است که «هزینه اقدام نظامی» در ذهنیت بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای افزایش یافته و همین امر، خود به تنهایی یک متغیر تعیین‌کننده در معادلات قدرت محسوب می‌شود. اما شاید یکی از محوری‌ترین عناصر «فصل نوین خلیج فارس»، مسئله مدیریت و جایگاه راهبردی تنگه هرمز باشد. تنگه هرمز صرفاً یک گذرگاه جغرافیایی نیست، بلکه یکی از حیاتی‌ترین شریان‌های انرژی جهان است که هرگونه تغییر در وضعیت آن می‌تواند پیامدهای جهانی ایجاد کند. در این چارچوب، تأکید بر نقش ایران در مدیریت این گذرگاه یک واقعیت ژئوپلیتیکی است. ایران به عنوان اصلی‌ترین کشور ساحلی این تنگه، در معادلات مربوط به امنیت و ثبات آن نقش غیرقابل انکار دارد و همین موقعیت، به آن جایگاهی ویژه در نظم منطقه‌ای می‌بخشد. در نگاه تحلیلی جدید، این موقعیت نه صرفاً به عنوان یک ابزار فشار، بلکه به عنوان یک اهرم تنظیم‌کننده درک می‌شود؛ اهرمی که می‌تواند در صورت افزایش تنش یا کاهش همکاری، تأثیر مستقیم بر اقتصاد جهانی انرژی داشته باشد. همین واقعیت باعث شده تنگه هرمز از یک مسیر صرفاً ترانزیتی، به یک مؤلفه مرکزی در معادلات بازدارندگی و امنیت منطقه‌ای تبدیل شود. در کنار این ابعاد سخت‌افزاری، بُعد نرم‌افزاری تحولات نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. افکار عمومی کشورهای منطقه به تدریج در حال بازنگری در برداشت‌های سنتی خود از امنیت هستند. اگر در گذشته حضور قدرت‌های خارجی به عنوان تضمین ثبات تلقی می‌شد، امروز در افکار عمومی، این حضور به عنوان عاملی برای تداوم وابستگی و حتی بی‌ثباتی مورد پرسش قرار می‌گیرد. این تغییر ادراک، شاید آهسته اما بنیادین است. در مجموع، «فصل نوین خلیج فارس» را می‌توان به عنوان یک فرآیند در حال شکل‌گیری دید که در آن چند محور به طور هم‌زمان در حال بازتعریف هستند: کاهش اتکای امنیتی به قدرت‌های بیرونی، افزایش نقش بازیگران منطقه‌ای، تقویت بازدارندگی متقابل، تغییر در ادراک عمومی و برجسته شدن نقاط راهبردی همچون تنگه هرمز. در چنین چارچوبی، مدیریت تنگه هرمز توسط ایران بخشی از معماری جدید قدرت در منطقه تلقی می‌شود؛ معماری‌ای که در حال شکل‌گیری است، اما نشانه‌های آن نشان می‌دهد خلیج فارس در حال عبور از یک نظم تثبیت‌شده قدیمی به سمت نظامی پیچیده‌تر، چندپایه‌تر و منطقه‌محورتر است، نظامی که مهمترین ویژگی آن اخراج آمریکا از منطقه خواهد بود. ■

حرام است، آلا یاران زمان انتقام است. اگر در کل دنیا بی‌نظیریم، فقط امر ولی را می‌پذیریم. همیشه تا ابد زنده است ایران، مطیع امر فرمانده است ایران. چه سزای حافظ این سرزمین است؟ یقین، حب امیرالمؤمنین است.

حقیقت، حرف آقای شهید است؛ که مردن به ز بیعت با یزید است. تمام حرف ما تنها همین است، که در هر ثانیه دشمن در کمین است. خیابان در خیابان در خیابان، همه ماندیم با جان، پای ایران. خیال صلح با دشمن سخنی با



جنگ منطقه‌ای

یک «شکست حماسی» دیگر؟

سردار سید مجید موسوی، فرماندهی نیروی هوافضا سپاه، در پاسخ به برخی اخبار مبنی بر اینکه سنت‌کام طرحی را برای موجی از حملات کوتاه و قدرتمند به ایران برای شکستن بن‌بست مذاکراتی تهیه کرده، گفت: «با ضربات دردناک طولانی و دامنه‌دار، عملیات‌های دشمن را حتی اگر ضریبی و کوتاه باشند به فضل الهی پاسخ می‌دهیم. عاقبت پایگاه‌هایتان در منطقه را دیدیم؛ ناوهای‌تان را هم خواهیم دید.» گزارش اخیر نشریه آکسیوس پرده از استیصال واشنگتن برداشت؛ ادعای تهیه طرحی توسط سنت‌کام برای حملات «کوتاه و قدرتمند» علیه ایران، تلاشی مذبوحانه برای خروج از بن‌بست‌های خودساخته است. آمریکایی‌ها نام این ماجراجویی را «خشم حماسی» گذاشته‌اند، اما طولی نکشید که در بین رسانه‌ها و تحلیلگران غربی به «شکست حماسی» معروف شد؛ شکستی که نماد پوشالی بودن هیمنه استکبار است. اصطلاح «شکست حماسی» در واقع واکنشی انتقادی به دروغین بودن ادعاهای اولیه مبنی بر نابودی توان نظامی ایران در این عملیات است. برخی تحلیل‌ها و گزارش‌ها این عملیات را به دلیل پایداری توان نظامی ایران، تحمیل هزینه‌های سنگین بی‌دستاورده برای آمریکا و سقوط هواگردهایشان، یک «شکست حماسی» برای آمریکا تلقی کردند.

قاب

اهتزاز پرچم ایران در خلیج فارس

آیین گرامیداشت روز ملی خلیج فارس روز پنجشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۵ با حضور اقشار مختلف مردم و مسئولین در جزیره هرمز برگزار شد.

عکس: خبرگزاری ایرنا

روایت

جنگ آمریکا بر سر جنگ با ایران

جلسه اخیر کنگره آمریکا که قرار بود یک نشست درباره بودجه دفاعی ۲۰۲۷ باشد، خیلی زود به میدان درگیری تمام‌عیار بر سر جنگ علیه ایران تبدیل شد تا بیش از پیش مشخص شود که آمریکا در باتلاق جنگ ایران گیر افتاده است. هگست وزیر جنگ آمریکا، منتقدان ترامپ که به شکست او اذعان دارند را بزرگ‌ترین دشمن خواند و در سوی مقابل، اعضای کنگره، از جمله آدام اسمیت، با تأکید بر «غیرواقعی» بودن این جنگ، از دولت خواستند روشن کند دقیقاً دنبال چه هدفی است و این مسیر قرار است به کجا برسد. سؤالی که هگست جوابی برای آن نداشت. این خلأ راهبردی در جدال هگست با دیگر عضو کنگره به وضوح عیان شد. جایی که مفهوم «پیروزی» عملاً فروپاشید. وقتی هگست از محاصره دریایی ایران به عنوان دستاورد یاد کرد، پاسخ طعنه‌آمیز ست مولتون فضای جلسه را تغییر داد: «پس آن‌ها ما را محاصره کردند و ما هم محاصره آن‌ها را محاصره کردیم؟» همزمان، پیش کشیدن جنایت آمریکا در حمله به مدرسه میناب توسط دیگر عضو کنگره نیز به التهاب جلسه افزود. «روکانا» در این رابطه با کنایه، از هگست پرسید: «این حمله و موشک‌هایی که استفاده شد، چقدر برای مالیات‌دهندگان آمریکایی هزینه داشت؟»